


اهمیت مؤلفه‌های معنایی فعل در ترجمه

علی خزاعی فر

مقدمه

زبانها ساختمان صوتی، نحوی و معنایی متفاوتی دارند. نقطه آغاز ترجمه درک این اصل بدیهی است. مترجم از ابتدا تا انتها با معنی سر و کار دارد. نیمی از کار او استخراج معنی از متن است. تا نداند معنی در زبان مبدأ چگونه بیان می‌شود، نمی‌تواند آن را به درستی استخراج کند، بناچار معنی را یا ناقص یا نادرست درک می‌کند. نیم دیگر کار مترجم انتقال معنی به زبان مقصد است. در این مرحله نیز اگر مترجم قابلیت‌ها و محدودیت‌های معنایی و نحوی زبان مقصد را شناسد از انتقال معنی عاجز می‌ماند. پس لازم است که مترجم درک درستی از ساختمان معنایی اجزای حاوی معنی یعنی کلمه، جمله و کلام (discourse) داشته باشد. مترجم خوب، که لزوماً زبان‌شناس به معنی دانشگاهی آن نیست، در غالب موارد به کمک ذوق و تجربه خود ظرایف و تفاوت‌های معنایی را در دو زبان درک می‌کند. اما زبان‌شناسی که کارش توصیف نظام آوایی، نحوی و معنایی زبان است، بخصوص آن دسته از مطالعات زبان‌شناختی که توصیف خود را بر مقایسه دو زبان متمرکز کرده‌اند به مترجم کمک می‌کنند تا از یک طرف به مفاهیم مشترک میان زبانها در سطح ژرف‌ساخت (deep structure) و از طرف دیگر به تفاوت‌های ظریف و حیرت‌انگیز زبانها در سطح روساخت (surface structure) پی ببرد و در تحلیل خود به لایه‌های عمیق‌تری از معنی دست یابد. این مقاله نگاهی دارد به ساختمان معنایی افعال انگلیسی که "حرکتی" را بیان می‌کنند و نیز اشاره‌ای دارد به نحوه ترجمه این قبیل افعال به فارسی.

اگر در تمامی زبانها هر کلمه فقط یک معنی و یک حالت دستوری داشت و ساختمان نحوی زبانها نیز یکسان بود، ابتدایی‌ترین ماشین‌های ترجمه نیز می‌توانستند از یک زبان به زبان دیگر ترجمه کنند. به جمله زیر توجه کنید:

- (1) Ali walks.

 (2) علی قدم می‌زند.

به‌ندرت پیش می‌آید که جملات انگلیسی که مترجم فارسی با آن سر و کار دارد از نوع جمله (1) باشد. در ترجمه این نوع جملات کافی است بین اجزای آنها و معادلهای فارسی‌شان تناظر یک به یک برقرار کنیم. اسم در برابر اسم و فعل در برابر فعل و غیره. (هر چند که در این جمله ساده نیز ترتیب قرار گرفتن اجزا یعنی فاعل و فعل

در دو زبان یکسان نیست.) حال به جمله زیر توجه کنید:

(3) The man ran back down into the storeroom.

هر انگلیسی‌زبان از این جمله که یک جمله معمولی انگلیسی است معانی زیر را که در جمله نهفته است درک می‌کند:

الف: عمل رفتن به انبار با دویدن صورت گرفته است. (ran)

ب: مرد قبلاً در انبار بوده و دوباره به آنجا برگشته است. (back)

ج: نقطه آغاز حرکت بالاتر از انبار بوده است. (down)

حال جمله فوق را با ترجمه نه چندان رضایت بخش زیر مقایسه می‌کنیم تا ببینیم در این ترجمه اولاً چه مقدار از اطلاعاتی که جمله انگلیسی به خواننده می‌دهد به فارسی منتقل شده است. ثانیاً آیا کلمات فارسی همان نقش دستوری را دارند که معادلهای آنها در جمله انگلیسی دارند!

(۴) مرد دوان دوان به انبار برگشت.

در ترجمه فارسی عمل دویدن به کمک قید ولی در جمله انگلیسی به کمک فعل بیان شده است. اطلاعاتی که down در جمله انگلیسی به ما می‌دهد در ترجمه فارسی وجود ندارد عمل برگشتن در جمله فارسی به کمک فعل ولی در جمله انگلیسی به کمک حرف اضافه بیان شده است. اگر همه اطلاعات مندرج در جمله انگلیسی را ولو با استفاده از کلمات بیشتر به فارسی منتقل کنیم باز هم نقش دستوری اجزای جمله فارسی با نقش دستوری اجزای جمله انگلیسی مطابقت کامل ندارد.

مثال فوق نمونه ساده جملاتی است که مترجم پیوسته با آنها سر و کار دارد. از تحلیل این جمله می‌توان نتیجه گرفت که در زبانهای مختلف مفاهیم به صورتهای گوناگون در رو ساخت جملات بیان می‌شوند. بحث در باره صورتهای گوناگونی که حاوی معنی هستند بحث مفصلی است که در شماره‌های آینده دنبال خواهیم کرد. در این مقاله بحث را به فعل محدود می‌کنیم آن هم به نوعی خاص از فعل یعنی افعالی که بیانگر حرکت هستند و با آوردن مثالهای متعدد از انگلیسی در کنار ترجمه‌های فارسی آنها، تفاوت دو زبان انگلیسی و فارسی را از نظر میزان اطلاعاتی که در این نوع افعال می‌گنجاند مورد بررسی قرار می‌دهیم.

فرض کنید می‌خواهیم موقعیتی را بیان کنیم که در آن شیئی نسبت به شیء دیگر حرکت می‌کند. این موقعیت دارای مؤلفه‌هایی به شرح زیر است:

الف- موضوع حرکت: شیئی که حرکت می‌کند

ب- معیار حرکت: شیئی که حرکت نسبت به آن سنجیده می‌شود

ج- مسیر حرکت: مسیری که موضوع طی می‌کند

د- حرکت: انتقال موضوع (نسبت به معیار حرکت) از نقطه‌ای به نقطه‌ای دیگر

مفهوم "حرکت" با مؤلفه‌های چهارگانه آن در همه زبانها وجود دارد ولی در بیان حرکت، هر زبان به شیوه‌ای خاص این مؤلفه‌ها را به کار می‌گیرد و در رو ساخت جملات می‌آورد. به عبارت دیگر به لفظ در آوردن یا گنجاندن مؤلفه‌های حرکت در الفاظ در همه زبانها یکسان نیست. مثالهای متعددی که از این پس نقل می‌کنیم این بحث را روشن خواهد کرد، اما قبل از آوردن مثال ذکر نکته‌ای دیگر ضروری است: علاوه بر چهار مؤلفه فوق که در ترسیم موقعیت حرکت ضروری است، می‌توان دو مؤلفه دیگر یعنی "نحوه حرکت" و "علت حرکت" را نیز به مؤلفه‌های فوق اضافه کرد زیرا این دو مؤلفه در برخی از زبانها مثل انگلیسی همیشه به صورت جداگانه به لفظ در نمی‌آیند بلکه گاه در ساختمان معنایی افعال گنجاندن می‌شوند و به خواننده انتقال می‌یابند. اکنون ببینیم در انگلیسی افعال

چگونه مؤلفه‌های "حرکت"، "نحوه حرکت"، یا "علت حرکت" را در بر می‌گیرند و این افعال چگونه به فارسی ترجمه می‌شوند.

در جملات زیر، افعال در بر دارنده مؤلفه‌های "حرکت" بعلاوه "نحوه" حرکت می‌باشند.

- (5) The rock slid/rolled/bounced down the hill.
 (6) The gate swung shut on its rusty hinges.
 (7) The smoke swirled/squeezed through the opening.
 (8) I slid/rolled the keg into the storeroom.
 (9) I twisted/popped the cork out of the bottle.
 (10) I stumbled/rushed/groped my way down the stairs.

از جمله ۵ علاوه بر حرکت سنگ، نحوه حرکت سنگ را نیز در سه مورد ذکر شده بشرح زیر درک می‌کنیم:
 Slide: شیئی ضمن اینکه با سطح تماس دارد آرام می‌لغزد.
 roll: شیئی ضمن اینکه با سطح تماس دارد می‌غلتد.

bounce: شیئی ضمن حرکت به زمین می‌خورد و بلند می‌شود و دوباره به زمین می‌خورد.

در زبان فارسی بر خلاف زبان انگلیسی نمی‌توان دو مؤلفه حرکت و نحوه حرکت را در مواردی که مسیر حرکت نیز در جمله ذکر شده با یک فعل بیان کرد. در ترجمه می‌توان مؤلفه "نحوه حرکت" را جدا از فعل، به صورت قید یا با استفاده از فعلی دیگر بیان کرد. برای مثال: سنگ لغزید/ غلت خورد و جست‌وزنان به پایین افتاد. در ترجمه چنین افعالی بسیار دیده شده که مترجم مؤلفه نحوه حرکت را به کلی حذف کرده است: "سنگ از تپه پایین افتاد."

در جمله ۶، فعل swing علاوه بر حرکت در، نحوه حرکت (چرخیدن) در را نیز بیان می‌کند. در این جمله بجای مسیر حرکت، نتیجه حرکت (shut) ذکر شده است. ترجمه پیشنهادی این جمله و جملات ۷ تا ۱۱ از این‌قرار است.

- (۶) در بر لولای زنگ‌زده‌اش چرخید و بسته شد.
 (۷) دود چرخ زنان/با فشار از سوراخ خارج شد.
 (۸) بشکه را سراندم/غلتاندم و به انبار بردم.
 (۹) چوب پنبه را پیچاندم و/با صدایی بلند از سر بطری برداشتم.
 (۱۰) تلو تلو خوران/باشتاب/کورمال کورمال از پله‌ها پایین رفتم.

چند مثال دیگر:

- (12) The napkin blew off the table.

باد دستمال سفره را از روی میز انداخت. (در این جمله فعل هم دربردارنده مؤلفه حرکت و هم مؤلفه عامل حرکت است).

- (13) I flicked the ant off my plate.

مورچه را با تلنگر از بشقابم بیرون انداختم.

- (14) I sawed the tree down to the ground at the base.

درخت را از پایین اره کردم و انداختم.

- (15) I hammered the nail into the board.

میخ را با چکش به تخته کوبیدم.

جدا از مواردی که ذکر شد، در انگلیسی فعل می‌تواند همراه با مؤلفه "حرکت" تعدادی از مؤلفه‌های معنایی

دیگر را نیز در برداشته باشد. به نمونه‌های زیر توجه کنید:

(16) She wore a green dress to the party.

این جمله را می‌توان به صورت زیر نوشت:

She went to the party, wearing a green dress.

با پیراهنی سبز به میهمانی رفت.

(17) I lured/scared him out of his hiding place.

او را گول زدم / ترساندم و از مخفی‌گاهش بیرون کشیدم.

(18) I waved him away from the building.

با اشاره دست از ساختمان دورش کردم.

(19) I prodded the cattle into the pen.

گلّه را سیخونک‌زنان به آغل راندم.

(20) Paint dotted the rug.

لکه‌های رنگ روی قالیچه پاشید.

(21) Could you reach me the flour down off that shelf with your free hand.

لطفاً با آن دست که آزاد است آرد را از روی آن طاقچه بردار، بده به من.

(22) He choked to death on a bone.

استخوان در گلویش گیر کرد و خفه شد.

(23) His shirt flapped dry in the wind.

پیراهنش باد خورد، خشک شد.

(24) A hole burned in the table from a cigarette.

آتش سیگار میز را سوراخ کرد.